

اڪلومي
اسلامي
ايراني

نقش دانش و مسئولیت‌پذیری شهروندان در سبک زندگی توسعه محور (مطالعه موردی ۵ منطقه منتخب شهر تهران)

وحید صالحی^۱، منصور شریفی^۲، حبیب‌الله کریمیان دهقی^۳

چکیده

موضوع این مطالعه، نقش دانش و مسئولیت‌پذیری شهروندان در سبک زندگی توسعه‌محور است. امروزه دانش و آگاهی به یکی از مهم‌ترین ابزارهای تسلط بر جوامع و مدیریت افکار عمومی تبدیل شده است. دانش شهروندی در همه جهات، یکی از دانش‌ها و درعین‌حال یکی از مهم‌ترین دانش‌هایی است که به وسیله آن می‌توان سطح دانش شهروندی و مسئولیت‌پذیری شهروندان را افزایش داد؛ به گونه‌ای که سبک زندگی توسعه‌محور نهادینه و فراگیر شود. هدف پژوهش نیز تعیین میزان تأثیر دانش شهروندی و مسئولیت‌پذیری در سبک زندگی توسعه‌محور و ارائه راهکار تقویت آن است. روش تحقیق برحسب هدف کاربردی، از نظر ماهیت توصیفی و از نوع همبستگی است. سؤال اصلی تحقیق این است که دانش شهروندان چه تأثیری در مسئولیت‌پذیری و ایجاد سبک زندگی توسعه‌محور دارد و چگونه می‌توان آن را شناخت؟ در این زمینه سه سؤال فرعی و سه فرضیه متناسب آن تبیین گردیده و بدان پاسخ داده است. برای استخراج یافته‌های دقیق و راهگشا از ابزار پرسشنامه در سطح شهروندان تهرانی استفاده شده و داده‌ها مورد تجزیه و تحلیل کمی و کیفی قرار گرفته است. در نتیجه اکثریت قاطع پاسخ‌دهندگان بر تأثیر اساسی دانش و مسئولیت‌پذیری شهروندان در شکل‌گیری سبک زندگی توسعه‌محور تأکید دارند.

واژگان کلیدی: دانش، آگاهی شهروندی، مسئولیت‌پذیری، سبک زندگی، توسعه محوری

^۱ دانشجوی دکتری، جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار

mvm898@gmail.com

^۲ دکتری جمعیت‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار. نویسنده مسئول

sharifim@ut.ac.ir

^۳ دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی، گروه علوم اجتماعی، هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار.

habibkarimian@yahoo.com

۱. مقدمه و بیان مسئله

شه‌رنشینی و شه‌روندی در یونان باستان و قبل از میلاد مسیح (ع) واقعیتی تأثیرگذار در تحولات کشور محسوب می‌شده و همواره محل بحث قانون‌گذاری و مدیریت بوده است. آغازگر طرح مفهوم شه‌روندی ارسطوست. در اندیشه وی در مورد شه‌روندی چند نکته اساسی از جمله؛ وجود قوانینی برای حمایت از تهدیدات داخلی و خارجی، وجود نظام‌های حکومتی برای تضمین این قوانین و ارزش‌ها و هنجارهای رفتاری افراد حائز اهمیت است (شیانی، ۱۳۸۱: ۶۲). سقراط از اندیشمندان دوران پیشامدرن بود که انجام وظایف مدنی و خودداری از نقض مقررات جامعه، دو ویژگی عمده زندگی او به‌عنوان شه‌روند آتن محسوب می‌شدند (زارع، ۱۳۸۹: ۱۲۱). آگوستین^۱ از فلاسفه قرن چهارم میلادی است. او معتقد بود که انسان شه‌روند دو شهر است؛ شهر محل تولد و شهر خدا. حاکمان نسبت به شه‌رنشینان توجه خاصی داشته و مقررات گوناگونی برای مدیریت افکار و کنترل رفتار آنان وضع کرده‌اند. نخستین اعلامیه حقوق بشر در جهان^۲، در ایران باستان و در زمان کوروش هخامنشی، صادر شده است. کوروش در این منشور، برده‌دار و اسیرآزاری را ممنوع اعلام کرده و به بازگرداندن همه اسیران و بردگان به سرزمین‌های متبوعشان، دستور داده است. در عصر داریوش هخامنشی نیز شاهد یک قانون جامع هستیم که به «دادنامه داریوش» شهرت یافته است، وی دادگری و عدالت‌خواهی را مطرح کرد و از دادرسان ویژه مسائل دشوار حقوقی یاری می‌جست. سلسله مقررات آیین زردشت (وندیداد) مبتنی بر همین دادنامه است. او قانون اساسی کشور را بر مبنای بردباری دینی و رعایت حقوق اقلیت‌های مذهبی، تدوین کرده بود و در نگارش این قانون، آداب، رسوم، سنت‌ها، قوانین و مقررات ملل مغلوب را تاجایی که به کیان امپراتوری هخامنشی لطمه نمی‌زد، لحاظ کرده بود. این البته بدین معنا نیست که تمامی حقوق بشر تأمین شده بلکه توجه به حقوق و منافع و مسائل شه‌روندی همواره مورد نظر بوده است.

^۱. Saint Augustinus

^۲. ارفعی، عبدالمجید (۱۳۸۹)، فرمان کوروش بزرگ. تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی (مرکز پژوهش‌های ایرانی و اسلامی).

پس از ورود اسلام به ایران بیش از گذشته به حقوق بشر توجه شد و نظامی مبتنی بر تساوی حقوق انسان‌ها، پایه‌ریزی شد. در این نظام هرگونه فاصله طبقاتی نفی شد و تقوی ملاک برتری انسان‌ها شد؛ بنابراین در حقوق اسلامی، همه افراد، اعم از زن و مرد، پیرو جوان، سیاه و سفید، دارای حقوق یکسان هستند. آیه شریفه «انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا ان اکر مکم عندالله اتقاکم». در حقوق اسلامی، حدیث «رفع القلم» عوامل رافعه مسؤولیت کیفری (خواب، مستی، صغر، جنون، اجبار و...) مورد توجه قرار گرفته است.

در ایران عصر قاجاریه بر اثر آشنایی با غرب و رشد اندیشه‌های نوخواهی و نوگرایی در حوزه‌های مختلف (سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و...) جامعه‌ی ایران با مفاهیم و مضامین نوینی مواجه شد که از جمله مفاهیم جدید حقوقی بود. یکی از مفاهیم حقوقی که رگه‌ها و نشانه‌هایی از آن در دوره قاجاریه به چشم می‌خورد مفاهیم مربوط به حقوق شهروندی است. بررسی آثار اندیشه‌گران و نوخواهان دوره قاجار نشان می‌دهد، گفتمان روشنفکری لیبرال و گفتمان ملی‌گرایی بستر مناسبی برای طرح مفهوم نوپای حقوق شهروندی در آن روزگار بوده است.

در دوره پهلوی مشکلات حقوق شهروندی افزایش پیدا کرد. شاه به واسطه تکیه بر خارج چندان به مردم اعتنا نداشت. اصلاً آنان چیزی به نام شهروندی را به رسمیت نمی‌شناختند. مخالفین و منتقدین با شدت تمام سرکوب شدند. با مظاهر دینی، فرهنگ و آداب سنتی مردم مانند هویت ملی، پوشش زنان و حضور مردم در اماکن مذهبی به شدت مبارزه کردند. حقوق شهروندی در قاموس رژیم هیچ جایگاهی نداشت. کشور از استقلال محروم بود و چند بار توسط ارتش‌های خارجی اشغال گردید و در نهایت بخش‌های مختلفی از سرزمین ایران تجزیه شد. در واقع دولتمردان رژیم پهلوی نه به اسلام، نه به فرهنگ ملی و نه حتی به فرهنگ غربی به‌طور کامل عمل نکردند، چون اصلاً سواد این‌گونه امور را نداشتند و تنها تابع سرویس‌های جاسوسی خارجی بوده تا نمادهای مذهبی و ملی را از بین ببرند و ثروت کشور به دست دولت‌های غربی بیفتد.

در جمهوری اسلامی ایران نیز، انقلاب اسلامی در گفتمان امام خمینی (ره) بر پایه مشارکت و حمایت مردم، اعم از زن و مرد شکل گرفته و بر همین اساس هم به پیروزی رسیده است. بیشترین اهتمام به مشارکت مردم در جمهوری اسلامی دیده می‌شود. این اهتمام تا جایی توسعه یافته است که رهبرانقلاب، خود را خادم مردم دانسته و بر حقوق، منافع و احترام به مردم تأکید کرده‌اند. اصل بیستم قانون اساسی در این باره می‌گوید: «همه افراد ملت اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند». همه افراد از حقوق اجتماعی بدون در نظر گرفتن تفاوت‌هایی نژادی و مذهبی و قومی و جنسی، برخوردار هستند.

مسئله اصلی این است که فرهنگ اسلامی شهروندان ایرانی، مسئولیت‌پذیری آنان در قبال دیگران و پیشینه تاریخی همزیستی مسالمت‌آمیز و تعاون و همیاری ایرانیان زبانزد خاص و عام بوده است. شهروندان ایرانی در طول تاریخ همواره دارای سبک زندگی بومی و سطح بالایی از پیشرفت، قانون‌مداری و زیست اجتماعی مطلوب بوده است، با این وجود اکنون چالش‌هایی در توسعه‌یافتگی سبک زندگی آنان و کاهش میزان تأثیر دانش و مسئولیت‌پذیری شهروندان ایرانی در توسعه‌یافتگی مشاهده می‌شود؛ یعنی دانش شهروندی چندان تبدیل به سبک زندگی توسعه محور نشده است. این باید بررسی شود که دانش شهروندی و مسئولیت‌پذیری شهروندان تا چه میزان در ایجاد سبک زندگی توسعه محور و پیشرفت همه‌جانبه تأثیرگذار بوده است؟

ضرورتی که نویسنده را به نگارش مقاله ترغیب نموده این است که در مقطع کنونی مباحث شهروندی در قوای سه‌گانه و دستگاه‌های حاکمیتی بیش‌ازپیش مطرح گردیده و فرآیند قانون‌گذاری و اجرا بدان تمرکز یافته است. علاوه بر آن گفتمان‌سازی نخبگان جامعه از طیف‌ها و جریان‌های مختلف سیاسی و اجتماعی و همچنین پرداختن به آن در فضای رسانه‌ای بیش از هر زمانی محل بحث و مجادله می‌باشد. از طرفی فضا سازی برخی مجامع بین‌المللی و رسانه‌های خارجی برای اعمال فشار بر جمهوری اسلامی به بهانه نقض حقوق بشر و

محدودیت شهروندان باعث پرداختن به این موضوع گردیده است. نکته مهم تأکید اسلام و انقلاب اسلامی بر خدمت به شهروندان و تلاش برای تأمین حقوق و مطالبات آنان انگیزه پرداختن به موضوع است.

۲. اهداف و پرسش های تحقیق

۲-۱. هدف کلی

هدف اصلی این پژوهش، تعیین میزان تأثیر دانش شهروندی و مسئولیت‌پذیری در سبک زندگی توسعه محور و ارائه راهکارهای تقویت آن و ارائه چارچوب و فرایندی مطلوب برای تحقق سبک زندگی توسعه محور از طریق افزایش دانش شهروندی و مسئولیت‌پذیری و بهبود سبک زندگی توسعه محور شهروندان مورد نظر می‌باشد.

۲-۲. اهداف جزئی

در راستای دستیابی به هدف کلی مذکور، اهداف جزئی زیردنبال خواهد شد:

- شناسایی ماهیت و مؤلفه‌های دانش شهروندی، مسئولیت‌پذیری و سبک زندگی توسعه محور،
- تجزیه و تحلیل میزان و نحوه تأثیرگذاری دانش شهروندی بر مسئولیت‌پذیری شهروندان،
- تجزیه و تحلیل میزان و نحوه تأثیرگذاری دانش شهروندان و مسئولیت‌پذیری آن‌ها بر سبک زندگی توسعه محور و
- ارائه راهکار مناسب برای تحقق سبک زندگی توسعه محور.

۲-۳. سؤالات تحقیق

۲،۳،۱. سؤال اصلی

دانش شهروندان چه تأثیری در مسئولیت‌پذیری و ایجاد سبک زندگی توسعه محور دارد و چگونه می‌توان آن را شناخت؟

۲-۳-۲. سؤالات فرعی

- منظور از دانش شهروندی و مسئولیت‌پذیری و سبک زندگی توسعه محور چیست و چگونه می‌توان این آگاهی را ارتقاء و عمق‌بخشی نمود؟
- دانش شهروندان چه تأثیری در مسئولیت‌پذیری شهروندان دارد و چگونه می‌توان مسئولیت‌پذیری آنان را افزایش داد؟
- دانش شهروندان چه تأثیری در تحقق سبک زندگی توسعه محور دارد و چگونه می‌توان این مهم را سرعت بخشید؟

۳. پیشینه پژوهش

کشاوری (۱۳۹۱) در پژوهشی تحت عنوان «رابطه‌ی سبک زندگی و امید به زندگی با بهزیستی روان‌شناختی سالمندان آموزش‌وپرورش شهرستان داراب» به این نتایج دست‌یافت که بین سبک زندگی با بهزیستی روان‌شناختی سالمندان رابطه‌ی معکوس معنادار وجود دارد؛ همچنین بین امید به زندگی با بهزیستی روان‌شناختی رابطه‌ی مستقیم معنی‌دار وجود دارد. بین متغیرهای پیش‌بین سبک زندگی و امید به زندگی و متغیر ملاک (بهزیستی روان‌شناختی) رابطه خطی معناداری در سطح یک درصد وجود دارد و سبک زندگی و امید به زندگی به‌طور معناداری قادر به پیش‌بینی بهزیستی روان‌شناختی می‌باشد.

سبحانی نژاد (۱۳۹۳) تحقیقی تحت عنوان «تحلیل ابعاد شناسانه‌ی مسئولیت‌پذیری در سبک زندگی اسلامی» انجام داد نتایج نشان داد که هندسه‌ی معرفتی مسئولیت‌پذیری در چهار بعد اعتقادی، فردی، اجتماعی و زیست‌محیطی قابل تبیین است و عملیاتی ساختن هر یک از مسئولیت‌ها، به نحوی در ساختار زندگی به سبک اسلامی مؤثر هستند و حیات طیبه را برای آدمی در مراتب گسترده‌ی آن پدید می‌آورند.

خواججه‌نوری (۱۳۹۳) در تحقیقی که تحت عنوان «رابطه‌ی سبک زندگی و مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی (مطالعه‌ی موردی: نوجوانان دبیرستانی شیراز)» انجام داد، نشان داد که اگرچه مسئولیت‌پذیری در مدرسه و مسئولیت‌پذیری فردی در میان دختران بیش از پسرها بود،

اما مسئولیت‌پذیری اجتماعی پسرها بیش از دختران می‌باشد. بعلاوه، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و فردی و مسئولیت‌پذیری در مدرسه رابطه‌ی معنی‌داری با ابعاد مختلف سبک زندگی دارد. یار محمدی (۱۳۹۴) تحقیقی تحت عنوان «بررسی رابطه‌ی بین سبک زندگی ارتقاء دهنده سلامت با کیفیت زندگی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه» انجام داد. نتایج حاصل از این پژوهش بیانگر این بود که دانشجویانی که دارای سبک زندگی ارتقاءدهنده سلامت بالایی هستند از کیفیت زندگی بالایی نیز برخوردار هستند.

عسکری (۱۳۹۴) در پژوهشی به «بررسی رابطه مؤلفه‌های سبک زندگی با سلامت سالمندان در شهر یزد» پرداخت. داده‌های تحقیق از طریق پرسشنامه همراه با مصاحبه در بین سالمندان ۶۰ سال به بالای شهر یزد گردآوری شده است. حجم نمونه ۳۱۳ نفر بوده و نتایج نشان می‌دهد بین سبک زندگی و مؤلفه‌های آن همچنین بین شبکه حمایت اجتماعی، پایگاه اجتماعی - اقتصادی، امنیت غذایی، سن، جنسیت و وضعیت تأهل با سلامت عمومی رابطه وجود دارد.

سروش (۱۳۹۰) در «بررسی میان احساس مسئولیت فردی و اجتماعی، اعتماد اجتماعی و رفتارهای دگرخواهانه در میان نوجوانان» بیان می‌کند که بیش از نیمی از نوجوانان شیرازی مورد مطالعه حداقل در سطح متوسط احساس مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی داشته و در حد متوسطی نیز واجد اعتماد اجتماعی بوده‌اند.

۴. چارچوب مفهومی پژوهش

۴-۱. تعریف مفاهیم

الف) آگاهی

آگاهی یا شعور شناخت بشر هست. بشر از راه آگاهی می‌تواند آینده، حال و گذشته را به یکدیگر مرتبط نماید. برخی از صاحب‌نظران، آگاهی را فرآیند سازمان‌دهی، تبیین، تفسیر ارتباط اطلاعاتی دانسته‌اند که توسط حواس جمع آوری می‌شود. به این اعتبار دانش در مفهوم آگاهی عبارت از مجموعه‌ای از اطلاعات منظم، تفسیر شده و مرتبطی است که هریک از ما آن

را دارا هستیم که در طیف وسیعی از باورها و روش‌های سنتی و قومی تا الگوهای عملی قرار دارند و در تکوین آن عواملی مثل خانواده، دوستان و وسایل ارتباط جمعی دخالت دارند (کیانپور، ۱۳۸۵: ۵).

ب) شهروندی

شهروندی از مهم‌ترین ایده‌های اجتماعی است که به‌منظور کمک به شناخت بهتر جامعه و روابط درونی آن و هدایت کنش‌ها و رفتارها به وجود آمده است. این مفهوم همانند هر مفهوم دیگر، در بستر تاریخی- اجتماعی و درون شبکه‌های مفهومی، محتوا و معنای خود را آشکار می‌کند. این محتوا ثابت نبوده و در طول زمان و با دگرگونی‌های شکل‌گرفته و برمبنای نظریه‌های مختلف دستخوش تغییر می‌گردد. مفهوم شهروند و شهروندی در بین پدیده‌های مختلف جامعه‌شناسی از این ویژگی ممتاز برخوردار است که در مکاتب و نظریه‌های فلسفی، سیاسی و حقوقی مورد تفسیر قرار گرفته و ماهیتی تجویزی پیدا کرده است. شهروندی شرافت فرد را به رسمیت می‌شناسد، اما درعین حال، بستر اجتماعی را نیز که فرد در آن عمل می‌کند را مورد تأکید قرار می‌دهد. (نیازی و رزاقی مله، ۱۳۹۸: ۱۴-۱۳)

ج) آگاهی شهروندی

یکی از مهم‌ترین ابعاد شهروندی داشتن «دانش و آگاهی شهروندی» است. دانش شهروندی از عقاید و اطلاعات بنیادی تشکیل می‌شود که افراد باید بدانند و به کاربرند تا شهروندان مؤثر و مسئول باشند (ایزدی و عزیز شمامی، ۱۳۸۸). دانش شهروندی عبارت است از کسب دانش و جست‌وجوی دانایی، مشارکت فعال، مسئولیت‌پذیری و داشتن آگاهی در زمینه موضوع‌های تاریخی، اجتماعی و فرهنگی در سطح محلی، ملی و بین‌المللی (ساعی ارسعی، ۱۳۹۳).

د) مسئولیت‌پذیری

واژه‌ی مسئولیت‌پذیری در عرف به معنای توانایی پاسخ دادن مؤثر و تصمیم‌گیری‌های مناسب در شرایط و موقعیت‌های مختلف می‌باشد. منظور از تصمیم‌گیری مناسب آن است که فرد در

چارچوب هنجارهای اجتماعی و انتظاراتی که معمول از او می‌رود، دست به انتخابی بزند که سبب ایجاد روابط انسانی مثبت، افزایش ایمنی، بهبود موقعیت و آسایش خاطر وی و دیگران شود. پاسخ مؤثر پاسخی است که فرد را قادر می‌کند تا به هدف‌هایی که باعث تقویت عزت نفس وی می‌شوند، دست یابد (مشبکی، ۱۳۸۹: ۱). مسئولیت حالتی که طی آن شخص نقش و اثر خود را در عوارض و نتایج یک اقدام، فعالیت یا رفتار می‌پذیرد. شرایط فرد بزرگسالی که قادر است مقررات، آداب، رسوم و معیارهای اخلاقی، اجتماعی، شغلی و ... را رعایت کند و در صورت عدم رعایت، عوارض و نتایج نامطلوب آن را نیز پذیرا می‌باشد. یکی از ویژگی‌های فرد این است که نقش‌های اجتماعی خود را می‌پذیرد و در جهت انجام وظایف خود تلاش می‌کند (ساعتچی، ۱۳۷۷). مسئولیت‌پذیری یعنی الزام و تعهد درونی از سوی فرد برای انجام مطلوب همه فعالیت‌هایی که بر عهده او گذاشته شده است.

و) سبک زندگی

اندیشمندان در حوزه‌های مختلف، تعابیر و تعاریف متعددی از سبک زندگی ارائه کرده‌اند که در ادامه به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌شود. در شرح اصطلاح سبک زندگی که یکی از مطرح‌ترین معانی در علوم انسانی معاصر است، میشل سوبل^۱ مفصل‌ترین کتاب را در سال ۱۹۸۱ در این خصوص نگاشت و در آن، پس از ذکر تعاریف گوناگون، به این نکته رسید که هنوز توافقی بر سر مفهوم این اصطلاح حاصل نشده است؛ اما در عین حال پژوهشگران علوم مختلف، هر یک در حوزه‌ی دانش خویش تعریفی برای آن ارائه نموده‌اند. این ترکیب از دو واژه‌ی «سبک» و «زندگی» تشکیل شده است. معنای لغوی واژه‌ی «زندگی» روشن است؛ اما در تعریف واژه‌ی «سبک» در لغت‌نامه‌ها معانی گوناگونی ذکر شده است. در فرهنگ‌نامه‌ها تعاریف مختلفی برای این واژه بیان شده است از جمله: نوع، روش، سبک چیدن اثاثیه، شکل دادن یا طراحی چیزی. کیفیت برتر در ظاهر، طراحی یا رفتار، تطابق با معیار شناخته شده، شیوه‌ای است که برآورنده و مناسب پنداشته می‌شود؛ خصوصاً در رفتار اجتماعی، «زیبایی، ظرافت یا

^۱.Sobel

سهولت، شیوه یا تکنیک»، همچنین «شیوه و روش انجام چیزی خصوصاً شیوه‌ای که برای فرد، گروهی از مردم، مکان یا دوره‌ای، نوعی باشد»، اجرا یا انجام اموری که تمایزدهنده‌ی فرد یا گروه یا سطح یا... خاصی باشد و، خصوصاً در پوشیدن از دیگر معانی این واژه است (امین شایان جهرمی، ۱۳۸۲). سبک زندگی تجلی مکانیسم روحی، عادات فکری و معرفتی فرد است که در مدل و الگوی زندگی او نمایان می‌شود.

ی) توسعه

واژه توسعه Development به معنای خروج لفاف (envelope) است که در فرهنگ لغت دهخدا به معنی فراخی و گسترانیدن ترجمه شده است (لغت‌نامه دهخدا). در سه قرن اخیر تاریخ غرب، سه واژه ترقی، تکامل، و توسعه برای توضیح تحول اجتماعی به کار رفته است. توسعه مفهوم بسیار پیچیده است و «بنظر می‌رسد که از تعریف گریزان است» (کوون و شنتون، ۱۹۹۶: ۳). بعلاوه، بر اساس مکتب پسا - توسعه یک مفهوم جهانی است که در طی نیم قرن اخیر در دستیابی به اهدافش ناکام مانده و بنابراین بایستی آنرا کنار گذاشت (رهنما و باوتری، ۱۹۹۷). با این حال، توسعه دارای کاربرد رایجی بوده و واژه‌ای است که هم به فرایندی که جوامع آن را طی می‌نمایند و هم هدف یا نتیجه آن فرایند اشاره می‌نماید یعنی فرایند توسعه در جامعه ممکن است به وضعیت یا شرایط توسعه منجر گردد. همچنین، واژه - ای است که نه تنها در کشورهای در حال توسعه بلکه برای هر ملتی در جهان از اهمیت بالایی برخوردار هست. اصطلاح توسعه به صورت فراگیر پس از جنگ جهانی دوم مطرح شد. واژه توسعه در لغت به معنای خروج از «لفاف» است. در قالب نظریه نوسازی، لفاف همان جامعه سنتی و فرهنگ و ارزش‌های مربوط به آن است که جوامع برای بهبود^۱ باید از این مرحله سنتی خارج شوند.

در تعریف توسعه باید بدانیم که اولاً، توسعه را مقوله ارزشی تلقی کنیم. ثانیاً، آن را جریانی چند بعدی و پیچیده بدانیم، ثالثاً، به ارتباط و نزدیکی آن با مفهوم بهبود توجه داشته باشیم

^۱ Improvement

(ازکیا، ۱۳۸۸: ۲۴). مایکل تودارو^۱ معتقد است که توسعه را باید جریانی چند بعدی دانست که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر مطلق دانست (تودارو، ۱۳۶۶: ۱۳۵).

پروکفیلد^۲ در تعریف توسعه می گوید: «فرایند عامی که در این زمینه وجود دارد این است که «توسعه» را بر حسب پیشرفت به سوی اهداف رفاهی نظیر تقلیل فقر و کاهش نابرابری تعریف کنیم.» (لانگ، ۱۹۷۷: ۱۰) دادلی سیرز^۳، توسعه را جریانی چند بعدی می داند که تجدید سازمان و سمت گیری متفاوت کل نظام اقتصادی - اجتماعی را به همراه دارد. به عقیده وی توسعه علاوه بر بهبود میزان تولید و در آمد، شامل دگرگونی اساسی در ساخت های نهادی، اجتماعی، اداری و همچنین ایستارها و وجهه نظرهای مردم است. (ازکیا، ۱۳۸۴: ۱۸۳).

۵. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف تحقیق؛ کاربردی است. این نوع پژوهش به منظور بهبود رفتارها، روش ها، ابزارها، وسایل، تولیدات، ساختارها و الگوهای مورداستفاده جوامع انسانی انجام می - گیرد. این پژوهش از نتایج تحقیقات بنیادی کمک می گیرد و هدف آن توسعه دانش کاربردی (کاربرد علمی دانش) در یک زمینه خاص است. بنیاد روش شناختی تحقیق حاضر بر «روش کتابخانه ای» و «روش میدانی - پرسشنامه» بنا شده است. در تحقیق حاضر هم تلاش می گردد تا یک مسئله پژوهشی (تأثیر آگاهی شهروندی و مسئولیت پذیری بر سبک زندگی توسعه محور) واقعی که وجود دارد، طی یک فرایند پژوهشی (توصیفی) پاسخ داده شود.

۶. یافته های تحقیق

یافته ها بر اساس فرضیه های پژوهش و در دو قسمت یافته های توصیفی و استنباطی تدوین و تنظیم شده اند.

^۱ - Micheal Todaro

^۲ - Brogfild

^۳ - Dudley sears

۶-۱. یافته‌های توصیفی

در پاسخ به فرضیه‌ی به نظر می‌رسد بین افزایش آگاهی شهروندان و میزان مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی شهروندان رابطه معنی‌داری وجود دارد، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج آزمون در جدول زیر ذکر شده است.

جدول ۱: همبستگی دو متغیره آگاهی شهروندی و مسئولیت‌پذیری

مسئولیت‌پذیری	متغیرها	
۰,۵۷۴	همبستگی پیرسون	آگاهی شهروندی
۰,۰۰۰	سطح معناداری	
۱۰۹۷	تعداد	

نتایج حاکی از آن است که بین آگاهی شهروندی و مسئولیت‌پذیری رابطه معناداری ($\text{sig}=0.000$) وجود دارد و این رابطه یک رابطه مثبت (۰,۵۷۴) است. به این معنا که هر چه آگاهی شهروندان بالاتر می‌رود، مسئولیت‌پذیری آنان هم بیشتر می‌شود و بالعکس هرچه قدر آگاهی شهروندان کم باشد میزان مسئولیت‌پذیری آنان نیز کاهش پیدا می‌کند. بنابراین، می‌توان گفت نتیجه بدست آمده قابل تعمیم به جامعه آماری می‌باشد. در پاسخ به فرضیه فرعی دوم به نظر می‌رسد بین افزایش میزان مسئولیت‌پذیری شهروندان و انتخاب سبک زندگی توسعه محور رابطه معنی‌داری وجود دارد، نتایج آزمون در جدول ذیل ذکر شده است.

جدول ۲: همبستگی دو متغیره مسئولیت‌پذیری و سبک زندگی

سبک زندگی	متغیرها	
۰,۶۶۱	همبستگی پیرسون	مسئولیت‌پذیری
۰,۰۰۰	سطح معناداری	
۱۰۱۴	تعداد	

نقش دانش و مسئولیت‌پذیری شهروندان در سبک زندگی توسعه محور ...

همانطور که مشاهده می‌شود که بین مسئولیت پذیری و سبک زندگی رابطه معناداری ($\text{sig}=0.000$) وجود دارد و این رابطه مثبت ($0,661$) است. به این معنا که هر چه قدر شهروندان مسئولیت‌پذیری بالایی داشته باشند به همان مقدار سبک زندگی آنان هم تغییر پیدا کرده و افزایش می‌یابد. بنابراین، با توجه به سطح معناداری این آزمون کمتر از $0,01$ است و شدت رابطه مثبت می‌توان گفت که نتایج بدست آمده قابل تعمیم به جامعه آماری می‌باشد و فرضیه محقق تأیید می‌گردد، یعنی هر چه قدر شهروندان در ابعاد مختلف فردی و اجتماعی مسئولیت پذیرتر باشند به همان میزان انتخاب سبک زندگی بالایی برخوردار می‌باشند و بالعکس اگر شهروندان سبک زندگی پایینی داشته باشند از مسئولیت‌پذیری کمتری برخوردارند.

نتایج فرضیه‌ی به نظر می‌رسد از طریق آموزش شهروندی می‌توان انتخاب سبک زندگی توسعه محور را برای شهروندان قابل پذیرش و در جامعه نهادینه سازی کرد در جدول ذیل قابل مشاهده است.

جدول ۳: همبستگی دو متغیره سبک زندگی و توسعه

توسعه	متغیرها	
۰,۶۹۳	همبستگی پیرسون	سبک زندگی
۰,۰۰۰	سطح معناداری	
۹۹۸	تعداد	

نتایج نشان می‌دهد که بین سبک زندگی توسعه محور رابطه معناداری ($\text{sig}=0.000$) وجود دارد و این رابطه مثبت ($0,693$) است. به این معنا که هر چه قدر سبک زندگی در بین شهروندان نهادینه شود به همان میزان رفتار شهروندان توسعه محورتر می‌شود. بنابراین، با توجه به سطح معناداری این آزمون کمتر از $0,01$ است و شدت رابطه مثبت ($0,693$) می‌توان گفت که نتایج بدست آمده قابل تعمیم به جامعه آماری می‌باشد و فرضیه محقق تأیید می‌گردد، یعنی هر چه قدر سبک زندگی در بین شهروندان نهادینه شود، رفتار شهروندان توسعه محورتر

می‌شود و بالعکس اگر سبک زندگی در بین شهروندان نهادینه نشود، منجر به تقویت و گسترش سبک زندگی توسعه محور نمی‌گردد.

ـ **فرضیه اصلی تحقیق**؛ به نظر می‌رسد که بین آگاهی شهروندان و مسئولیت‌پذیری و سبک زندگی توسعه محور رابطه معناداری وجود دارد. جهت بررسی فرضیه اصلی پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج در جدول ذیل قابل مشاهده است.

جدول ۴: همبستگی بین متغیرهای آگاهی شهروندی، مسئولیت‌پذیری و سبک زندگی توسعه محور

متغیرها	سبک زندگی توسعه محور
همبستگی پیرسون	۰,۷۴۱
سطح معناداری	۰,۰۰۰
تعداد	۹۲۹

همانطور که در جدول فوق مشاهده می‌شود که شدت رابطه بین دو متغیر مستقل آگاهی شهروندان و مسئولیت‌پذیری و متغیر وابسته سبک زندگی توسعه محور (۰,۷۴۱) است و جهت رابطه بین این دو متغیر نیز مثبت است، با توجه به اینکه سطح معناداری این آزمون کمتر از ۰,۰۱ یعنی ($sig=0.000$) است، بنابراین، می‌توان گفت که نتیجه به دست آمده قابل تعمیم به جامعه آماری می‌باشد و فرضیه محقق تأیید می‌شود، یعنی هرچه آگاهی شهروندان و مسئولیت‌پذیری آنان بیشتر می‌شود، سبک زندگی توسعه محور در بین شهروندان نهادینه‌تر می‌شود و بالعکس هر چقدر سبک زندگی توسعه محوری در بین شهروندان نهادینه‌تر شود به همان میزان آگاهی شهروندان بالاتر و مسئولیت‌پذیری آنان بیشتری می‌شود.

۲-۶. یافته‌های استنباطی

۲-۶-۱. تحلیل رگرسیونی دانش شهروندی

برای اینکه شمایی کلی از عوامل تعیین کننده و مؤثر بر سبک زندگی توسعه محور در بین شهروندان داشته باشیم و همچنین مشخص کردن سهم و تأثیر متغیرهای مستقل در تبیین و

پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته، از تجزیه و تحلیل رگرسیون چند متغیری و به روش همزمان استفاده شد. هفت متغیر وضعیت منطقه، جنسیت، سن، تأهل، تعداد فرزندان، تحصیلات و درآمد وارد شد تا تأثیر این متغیرها بر متغیر دانش شهروندی مشخص گردد.

جدول ۵: نیکوئی برازش مدل در دانش شهروندی

مدل	متغیرهای وارد شده												
	تعداد فرزندان	درآمد	تحصیلات	تأهل	سن	جنسیت	منطقه	کنسنت	f آماره	دوربین - واتسون	ضریب تعیین تعدیل شده	ضریب تعیین	ضریب همبستگی
	Constant	F Change	Durbin-Watson	Adjusted R Square	R Square	R							
1	.045	.068	*.221	*.061	-.035	-.046	-.021	*1.493	13.212	1.906	.071	.077	.277
Sig	.306	.059	.000	.052	.419	.143	.482	.000					

اعداد آورده شده در جدول ۵ نشان می‌دهد که میزان همبستگی چندگانه بین متغیرهای مستقل برابر با ۰/۲۷۷ می‌باشد و این میزان از شدت همبستگی در بین این متغیرها خوب است. ضریب تعیین ۰/۷۷ مشخص شده که نشان می‌دهد که ۰/۷ درصد واریانس متغیر دانش شهروندی توسط هفت متغیر وارد شده در مدل تبیین می‌شود. ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۰/۷۱ است. دوربین - واتسون برابر با ۱/۹۰۶ مشخص شده است که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل دارای استقلال مشاهدات می‌باشد. مقدار کنسنت برابر با ۱/۴۹۳ یعنی اینکه بدون ورود هیچ کدام از متغیرها شهروندان جامعه آماری دارای ۱/۴۹۳ دانش شهروندی می‌باشند. با بررسی معنی‌داری مشخص شد که تحصیلات شهروندان با دانش شهروندی دارای اختلاف معنی‌داری است و نشان می‌دهد ۰/۲۲۱ دانش شهروندی تحت تأثیر تحصیلات افراد است و تأهل هم دارای اختلاف معنی‌داری منفی با دانش شهروندی می‌باشد. بقیه متغیرها با دانش شهروندی دارای اختلاف معنی‌داری نیست.

۲-۲-۶. تحلیل رگرسیونی مسئولیت‌پذیری

در جدول شماره ۶، هفت متغیر وضعیت منطقه، جنسیت، سن، تأهل، تعداد فرزندان، تحصیلات و درآمد وارد شده تا تأثیر این متغیرها بر متغیر مسئولیت‌پذیری مشخص گردد.

جدول ۶: نیکوئی برازش مدل در مسئولیت‌پذیری

مدل	متغیرهای وارد شده												
	تعداد فرزندان	درآمد	تحصیلات	تأهل	سن	جنسیت	منطقه	کنسنت	آماره	دوربین - واتسون	ضریب تعیین تعدیل‌شده	ضریب تعیین	ضریب همبستگی
	Constant	F Change	Durbin-Watson	Adjusted R Square	R Square	R							
1	3.544	8.458	1.810	.043	.049	.222	0.064*	-0.024	.012	*.075			
Sig	.000						.043	.569	.701	.010			

نتایج نشان می‌دهد که میزان همبستگی چندگانه بین متغیرهای مستقل برابر با ۰,۲۲۲ می‌باشد، و این میزان از شدت همبستگی در بین این متغیرها کم است. ضریب تعیین ۰,۰۴۹ مشخص شده که نشان می‌دهد ۰,۰۴ درصد واریانس متغیر مسئولیت‌پذیری توسط هفت متغیر وارد شده در مدل تبیین می‌شود. ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۰,۰۴۳ است. دوربین واتسون برابر با ۱,۸۱۰ مشخص شده است که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل دارای استقلال مشاهدات می‌باشد. مقدار کنسنت برابر با ۳,۵۴۴ یعنی اینکه بدون ورود هیچ کدام از متغیرها شهروندان جامعه آماری دارای ۳,۵۴۴ دارای مسئولیت‌پذیری می‌باشند. با بررسی معنی‌داری مشخص شد که منطقه سکونت شهروندان با مسئولیت‌پذیری دارای اختلاف معنی‌داری است و نشان می‌دهد ۰,۰۷ مسئولیت‌پذیری تحت تأثیر منطقه محل سکونت افراد است و وضعیت تأهل هم دارای اختلاف معنی‌داری منفی با مسئولیت‌پذیری می‌باشد. تحصیلات دارای ارتباط

معنی داری (۰,۲۱۸) با مسئولیت پذیری است هر چقدر تحصیلات افراد بالاتر می‌رود، مسئولیت پذیری افراد هم افزایش می‌یابد. بقیه متغیرها با مسئولیت پذیری دارای اختلاف معنی داری نیست.

۳-۲-۶. تحلیل رگرسیونی دانش شهروندی و سبک زندگی توسعه محور

متغیر دانش شهروندی وارد شده تا تأثیر این متغیر بر متغیر وابسته سبک زندگی توسعه محور مشخص گردد.

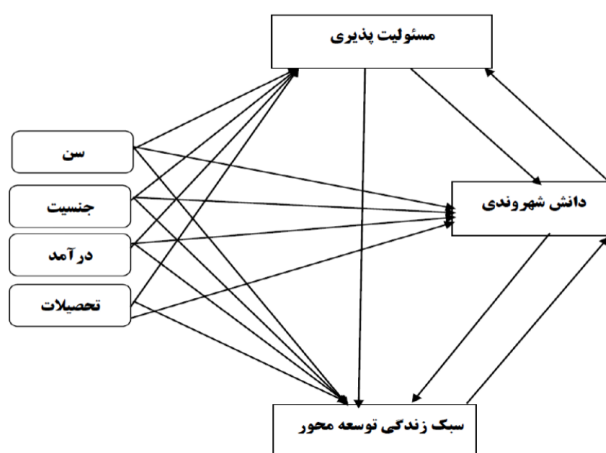
جدول ۷: نیکوئی برازش مدل تأثیر دانش شهروندی بر سبک زندگی توسعه محور

مدل	متغیر وارد شده	کنسنت	f آماره	دوربین - واتسون	ضریب تعیین تعدیل شده	ضریب تعیین	ضریب همبستگی
	دانش شهروندی	Constant	F Change	Durbin-Watson	Adjusted R Square	R Square	R
1	.626*	1.262	611.437	1.880	.392	.392	.626
Sig	.000	.000					

اعداد آورده شده در جدول فوق نشان می‌دهد که میزان همبستگی بین متغیر مستقل دانش شهروندی با سبک زندگی پایدار برابر با ۰/۶۲۶ می‌باشد و این میزان از شدت همبستگی در بین این دو متغیر بسیار مطلوب است. ضریب تعیین ۰/۳۹۲ مشخص شده که نشان می‌دهد ۳۹ درصد متغیر سبک زندگی پایدار توسط متغیر دانش شهروندی در این مدل تبیین می‌شود. ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۰/۳۹۲ است. دوربین - واتسون برابر با ۱/۸۸۰ مشخص شده است که نشان می‌دهد متغیرها دارای استقلال مشاهدات می‌باشد. مقدار کنسنت برابر با

۱/۲۶۲ یعنی اینکه بدون دخالت هیچ متغیری شهروندان جامعه آماری ۱/۲۶۲ دارای سبک زندگی پایدار هستند.

پس از نشان مقدار همبستگی بین متغیرهای دانش شهروندی و سبک زندگی توسعه محور، در نهایت مدلی از ارتباط بین متغیرها ترسیم گردید که در نمودار ۱ مشاهده می‌کنید.



نمودار ۱: ارتباط بین متغیرها

همان طور که از ارتباط ترسیم شده بین متغیرها در نمودار فوق آشکار است. مسئولیت‌پذیری به طور مستقیم و همین طور از طریق دانش شهروندی بر انتخاب سبک زندگی توسعه محور شهروندان تأثیر می‌گذارد. لازم به یادآوری است که قضاوت در مورد نتایج به دست آمده در این پژوهش کاری بس دشوار و پیچیده است، زیرا سبک زندگی توسعه محور در هر خرده فرهنگی متفاوت است. بعلاوه، سبک‌های زندگی پدیده‌های ایستا نیستند، بلکه در اثر تحولات اقتصادی، سیاسی و نوآوری‌های تکنولوژیکی دستخوش تغییر می‌شوند.

۷. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

باتوجه به اینکه همه فرضیه‌ها با میزان همبستگی متوسط مورد تأیید قرار گرفتند، ولی باید در مورد عوامل مؤثر بر انتخاب سبک زندگی توسعه محور به عوامل ساختاری و امکانات موجود

در شهر نیز توجه بیشتری صورت گیرد. نتایج به دست آمده از این تحقیق با مطالعات صورت گرفته توسط خواجه‌نوری (۱۳۹۳)، شارع پور و شعبانی (۱۳۹۵)، صالحی و پازوکی نژاد (۱۳۹۵)، خورشیدی زگلوچه (۱۳۹۷)، جکسون (۲۰۰۹)، جنیکای و همکاران (۲۰۱۲)، (آکنجی، ۲۰۱۶)، لارنت و همکاران (۲۰۲۰) همخوانی دارد. در اینجا به مهمترین نتایج این تحقیق اشاره می‌شود:

- هیچ سبک زندگی توسعه محور عام وجود ندارد. آنچه در یک منطقه توسعه محور است ممکن است در مکان دیگر توسعه محور نباشد
- سبک زندگی در قالب هنجارهای اجتماعی و در درون محیط فیزیکی رخ می‌دهد و توسط آنها امکان پذیر و محدود می‌شود. از این رو، تفکیک بین عواملی که می‌توانند در سطح فردی یا خانگی مورد توجه قرار گیرند و عواملی که خارج از کنترل فرد هستند، مهم است.
- سبک‌های زندگی ایستا نیستند. آنها با پویایی جامعه تغییر می‌کنند. چشم اندازها و آرزوهای مردم در زندگی با تکامل اوضاع شخصی آنها، با تکامل جامعه و تغییر دانش، هنجارها و فناوری تغییر می‌کنند.
- نیازها و خواسته‌ها تحت تأثیر زمان و جامعه است. با تکامل جامعه، یا پیچیده‌تر و یا ثروتمندتر شدن، آنچه نیازهای اساسی اجتماعی را تشکیل می‌دهد، تکامل می‌یابد. به عنوان مثال، یک تلفن همراه دو دهه پیش به عنوان یک کالای لوکس شناخته می‌شد، اکنون برای اکثر بزرگسالان در شهر تهران یک نیاز محسوب می‌شود، اما در برخی از شهرستان‌های محروم همچنان یک کالای لوکس است.
- برای تأمین سبک‌های زندگی توسعه محور باید تلاش شود تا شکاف فقر و ثروت در جامعه کاسته شود. مظاهر تنش اجتماعی هر چه گسترده‌تر می‌شود، اختلاف بین شرایط اقتصادی بین طبقات اجتماعی قویتر می‌شود.

- تأثیرات زیست محیطی سبک‌های زندگی عمدی نیست بلکه نتیجه عواملی است که افراد آرزو دارند نیازها و خواسته‌ها را برآورده کنند و همچنین در جامعه کار کنند.
- آگاهی از مصرف توسعه محور و گزینه‌های سبک زندگی معمولاً منجر به اقدامات مدنظر نمی‌شود. این شکاف دانش-عمل یا قصد-رفتار را نشان می‌دهد که آگاهی به راحتی توسط عدم دسترسی یا قفل شدن در گزینه‌های موجود خنثی می‌شود.
- رویکرد از بالا به پایین برای تغییر سبک زندگی تنها با مشارکت جامعه مدنی موفقیت آمیز خواهد بود.

در یک جمع بندی نهایی می‌توان گفت که دانش و آگاهی شهروند و اظهار مسئولیت‌پذیری برای انتخاب سبک زندگی توسعه محور امری اساسی است، اما آگاهی و احساس مسئولیت‌پذیری شهروندی بدون ارتباط دادن آن با زندگی واقعی (ساختارها و شبکه های اجتماعی)، تجارب شخصی، شایستگی‌ها و ارزش‌ها؛ تلاشی ناکافی و بیهوده برای دستیابی به سبک زندگی توسعه محور می‌باشد.

منابع

۱. ابراهیمی لویه، عادل و میرزائی راجعونی، سلیمان (۱۳۹۶). عشق در جوامع نوین: تبیین جامعه‌شناختی، تهران: نشر لویه.
۲. ابراهیمی لویه، عادل و میرزائی راجعونی، سلیمان؛ عابدیان شهرکی، نازیلا (۱۳۹۷). فرهنگ اصطلاحات تخصصی دو زبانه علوم اجتماعی، تهران: نشر لویه.
۳. خواجه‌نوری، بیژن، پرنیان، لیلا، همت، صغری (۱۳۹۳). «مطالعه رابطه سبک زندگی و هویت اجتماعی، مطالعه موردی جوانان شهر بندرعباس»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، دوره هفتم، شماره ۱.
۴. خورشیدی زگلوچه، رضا، حبیب پور گنابی، کرم، کرم پور، روزا (۱۳۹۷). «تعامل بین سبک زندگی پایدار و توسعه پایدار خانواده‌های روستایی»، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال هجدهم، بهار ۹۷، شماره ۶۸، صفحات ۲۶۱ تا ۲۹۷.
۵. شارع‌پور، محمود، شعبانی، مریم (۱۳۹۵). «تحلیلی جامعه‌شناختی از میزان آگاهی شهروندی شهروندان نسبت به امور شهری»، فصلنامه توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق)، دوره ۱۰، شماره ۳، بهار، صفحات ۲۹ تا ۶۶.
۶. صالحی، صادق و زهرا پازوکی نژاد (۱۳۹۵)، «تحلیل جامعه‌شناختی سبک زندگی پایدار در بین دانشجویان»، آموزش عالی ایران، زمستان و بهار، شماره ۲۹ علمی - پژوهشی.
۷. طالبان، محمدرضا (۱۳۸۴)، «تبیین جامعه‌شناختی بی‌ثباتی سیاسی» رساله دکتری برای جامعه‌شناسی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
۹. میرزائی راجعونی، سلیمان (۱۳۹۹)، جامعه‌شناسی سیاسی، دوره دو جلدی، تهران: نشر لویه.
۱۰. یار محمدی، حامد؛ سهرابی، یونس؛ رستمی، رضا؛ محمدی، محمد مهدی؛ لطفی، سهیلا؛ و جمشیدی، خدیجه (۱۳۹۴)، «بررسی رابطه بین سبک زندگی ارتقاء دهنده سلامت با

کیفیت زندگی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه در سال ۱۳۹۴»، همایش: اولین کنگره ملی دانشجویان پارامدیکال کشور، ایران، مازندران.

11. Akenji, Lewis.Chwn, Huizhen (2016), A framework for shaping sustainable lifestyles: determinants and strategies, United Nations Environment Programme.
12. Appelrouth, Scott and Laura Desfor Edles (2021), Classical and Contemporary Sociological Theory, Text and Readings. 4th Edition. Sage Publications, Inc.
13. Barber, Benjamin. (1984). Strong Democracy: Participatory Politics for a New Age. Berkeley: University of California Press.
14. Beck, U. (1992). Risk Society: Towards a New Modernity. London: Sage Publications.
15. Bocoock, R. (1992) Consumption and Lifestyles, in R. Bocoock and K. Thompson (eds.) Social and Cultural Forms of Modernity, Cambridge: Polity.
16. Coleman, James A. 1990. *Foundations of Social Theory*. Cambridge: Harvard University Press.
17. Evanse, D. & T. Jackson (2007). Towards a Sociology of Sustainable Lifestyles. University of Surrey.
18. Featherstone, M. (1991). Consumer Culture & Postmodernism. London: Sage Publication.
19. Hitlin, Steven and Stephen Vaisey (2010), Handbook of The Sociology of Morality, Springer Science+Business Media, LLC.
20. Giddens, Anthony Modernity and Self-Identity, 1991. Polity Press, Cambridge.
21. Jincal Qiu, Jie Chen, Liai Zou, Liyi Feng, Yan Lu, Qian Wei & Jinhua Zhang (2012), Lifestyle and health-related quality of life: A cross-sectional study among civil servants in China, BMC Public Health volume 12, Article number: 330 (2012). BMC Public Health volume 12, Article number: 330 (2012).
22. Kirishnan J. (2011). Life style: a tool for understanding buyer behavior. Int J Econs Mgmt, 5(1): 283–298. [Google Scholar].
23. Laurett, Rozélia and et al (2020), Sustainable Consumer Lifestyles/ Sustainable Consumption In Filho. Leal, Walter • Anabela Marisa Azul Luciana Brandli • Pinar Gökçin Özuyar Tony Wall Editors (2020). Responsible Consumption and Production, Springer Nature Switzerland.
24. Lash, S. (1993) Reflexive Modernisation: the Aesthetic Dimension, Theory, Culture and Society, 10: pp. 1 – 24.
25. Lister, R. (1997). Citizenship: Feminist Perspectives. Basingstoke: MacMillan.

-
26. Mullins, Nicholas, and Carolyn Mullins. (1973). *Theories and Theory Groups in Contemporary American Sociology*. New York: Harper and Row.
27. Swedberg, Richard (2003), *Principles of economic sociology*, Princeton University Press .